

جامعه و تخلفی نو ظهور به نام رانندگی بدون گواهینامه نوجوانان

سپهرغرب، گسره اجتماعی – عباس سریشی: نوجوانان باید بدانند که رانندگی بدون گواهینامه عواقب خطرناکی دارد که اگر به آن مبادرت ورزند قطعاً برای همه گران تمام خواهد شد.

بر اساس قوانین راهنمایی و رانندگی، هر فردی که بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری مثل خودروی سواری، کامیون و اتوبوس و غیره رانندگی کند باید گواهینامه متناسب رانندگی با آن نوع وسیله نقلیه را دارا باشد گو اینکه صرف داشتن گواهینامه رانندگی یک وسیله خاص نیز مجوزی برای رانندگی با وسایل نقلیه دیگر نیست. به‌طور مثال فردی که گواهینامه رانندگی موتورسیکلت دارد فقط مجاز به رانندگی با این وسیله نقلیه بوده و نمی‌تواند با خودروی سواری رانندگی کند، همچنین کسی که گواهینامه پایه یک ندارد، مجاز به رانندگی با کامیون و اتوبوس نیست.

درعین‌حال و مستند به قوانین موجود، افراد (اعم از مرد یا زن) صرفاً پس از ۱۸ سالگی می‌توانند مجوز رانندگی دریافت کنند و طبیعتاً پیش از رسیدن به این سن و گرفتن گواهینامه، رانندگی کردن برای آن‌ها ممنوع و قانون‌گذار برای مرتکبان آن مجازات‌هایی را در نظر گرفته‌است. درواقع داشتن گواهینامه رانندگی به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که قانون‌گذار در ماده ۲۲۳ قانون مجازات اسلامی، اگر کسی بدون داشتن گواهی‌نامه اقدام به رانندگی کند با مجازات‌هایی همچون حبس و جزای نقدی روبرو خواهد شد.

البته لازم به ذکر است برای اینکه شخصی به جرم رانندگی بدون گواهینامه به جزای نقدی یا حبس محکوم نشود، نیازی نیست که حتماً در اثر این رانندگی به جان یا مال دیگران خسارت زده باشد زیرا مطابق با ماده چهار قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، افسران راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نیز مجاز هستند که پس از تشخیص تخلف، خودرو را متوقف و طبق بند ج ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، راننده خاطی را جهت رسیدگی به اتهام و تعیین مجازات به مرجع قضایی معرفی کنند.

در این خصوص و به اعتقاد کارشناسان، در سه حالت کلی، شخص مرتکب جرم رانندگی بدون گواهینامه می‌شود؛ نخست کسانی که بدون مجوز

سپهرغرب، گسره اجتماعی – عباس سریشی: نوجوانان باید بدانند که رانندگی بدون گواهینامه عواقب خطرناکی دارد که اگر به آن مبادرت ورزند قطعاً برای همه گران تمام خواهد شد.
بر اساس قوانین راهنمایی و رانندگی، هر فردی که بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری مثل خودروی سواری، کامیون و اتوبوس و غیره رانندگی کند باید گواهینامه متناسب رانندگی با آن نوع وسیله نقلیه را دارا باشد گو اینکه صرف داشتن گواهینامه رانندگی یک وسیله خاص نیز مجوزی برای رانندگی با وسایل نقلیه دیگر نیست. به‌طور مثال فردی که گواهینامه رانندگی موتورسیکلت دارد فقط مجاز به رانندگی با این وسیله نقلیه بوده و نمی‌تواند با خودروی سواری رانندگی کند، همچنین کسی که گواهینامه پایه یک ندارد، مجاز به رانندگی با کامیون و اتوبوس نیست.
درعین‌حال و مستند به قوانین موجود، افراد (اعم از مرد یا زن) صرفاً پس از ۱۸ سالگی می‌توانند مجوز رانندگی دریافت کنند و طبیعتاً پیش از رسیدن به این سن و گرفتن گواهینامه، رانندگی کردن برای آن‌ها ممنوع و قانون‌گذار برای مرتکبان آن مجازات‌هایی را در نظر گرفته‌است. درواقع داشتن گواهینامه رانندگی به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که قانون‌گذار در ماده ۲۲۳ قانون مجازات اسلامی، اگر کسی بدون داشتن گواهی‌نامه اقدام به رانندگی کند با مجازات‌هایی همچون حبس و جزای نقدی روبرو خواهد شد.
البته لازم به ذکر است برای اینکه شخصی به جرم رانندگی بدون گواهینامه به جزای نقدی یا حبس محکوم نشود، نیازی نیست که حتماً در اثر این رانندگی به جان یا مال دیگران خسارت زده باشد زیرا مطابق با ماده چهار قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، افسران راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نیز مجاز هستند که پس از تشخیص تخلف، خودرو را متوقف و طبق بند ج ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، راننده خاطی را جهت رسیدگی به اتهام و تعیین مجازات به مرجع قضایی معرفی کنند.
در این خصوص و به اعتقاد کارشناسان، در سه حالت کلی، شخص مرتکب جرم رانندگی بدون گواهینامه می‌شود؛ نخست کسانی که بدون مجوز

در خصوص دست‌فرمان فرزند عزیزشان در دهان لقلقه می‌کنند.

✽ نگرانی‌های رو به افزایش

متأسفانه این روزها در سطح شهرها و حتی جاده‌های بین‌شهری باوجود داشتن اطلاع از تبعات و یا قابل پیگیری بودن این عمل، بسیار شاهد هستیم رانندگی نوجوانانی را که به دلیل صغر سن، هنوز مجاز به دریافت گواهینامه نشده‌اند اما به‌مانند بزرگسالان رانندگی می‌کنند!

وسعت این نگرانی را باید از این نقطه‌نظر دید که به گفته رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران، فقط در ۶ ماه نخست سال ۹۷، رانندگی بدون پروانه (گواهینامه) در صدر جرائم نوجوانان قرار داشته درحالی‌که به‌عداژان، ضرب‌وجرح عمدی، سرقت مستوجب تعزیر و ایراد صدمات بدنی غیرعمدی ناشی از بی‌احتیاطی در امر رانندگی با توهین به اشخاص در رتبه دوم تا پنجم پرونده‌های نوجوانان ازنظر فراوانی قرار دارد.

اینکه آیا این نوجوانان با اجازه والدین خود به این عمل مبادرت می‌کنند و یا بدون اطلاع آنان، به‌جای خود، اما لازم است تا والدین بدانند که طبق قانون اگر مشخص نشود مالک آگاهانه وسیله نقلیه را در اختیار فرد دیگری که فاقد گواهینامه است، قرار داده، پس از وقوع حادثه علاوه بر راننده، مالک خودرو نیز به‌عنوان مباشر در وقوع حادثه قابل تعقیب و مجازات است.

همچنین درصورتی‌که رانندگی بدون گواهینامه منجر به قتل شود تغییریری در ذات جرم قتل غیر عمد ناشی از تخلفات رانندگی ایجاد نمی‌شود و به‌رحال قتل مذکور، قتل شبه عمد و مشمول قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) خواهد بود. پس به نوجوانان توصیه می‌شود اگر بدون داشتن گواهینامه پشت فرمان نشستند و به دلیل بی‌احتیاطی یا مهارت ناکافی تصادفی را رقم زدند دست‌وپایشان را گم نکرده و فرار را برقرار ترجیح ندهند، باندند که برخلاف برخی باورهای غلط، مرتکب قتل عمد نشده و تنها جرم آن‌ها این است که بدون گواهینامه پشت فرمان نشسته‌اند و باید تاوان این تخلف را نیز بپردازند گو اینکه به گفته کارشناسان راهور در حال حاضر نداشتن گواهینامه نیز یکی از مهم‌ترین دلایل فرار از صحنه تصادفات است.

همدلی؛ راهی برای نزدیک شدن نسل‌ها

تغییرات فردی ونوسازی دارد. به اعتقاد او طرح نظریه توسعه‌بخشی ارتباطات، زمینه لازم را برای تحرک روحی و رفتاری افراد و در نتیجه تحرک اجتماعی به وجود می‌آورد.
دانیل لرنر همدلی را اقدامی به منظور ایجاد ارتباط با دیگران می‌داند. همدلی با قدرت انتقال فکر، به نحوی که مورد نظر لرنر است، حای دو روند برون‌فکنی و درون‌فکنی است.

برون‌فکنی به معنای قدرتی است که انسان می‌تواند خود را در قالب هر آنچه غیر است، تصور کند. بدین معنا هر صفت و مشخصه شخصی به

اما می‌خواهیم از مفهومی که او مطرح کرده استفاده کنیم تا راهی برای نزدیک کردن نسل‌ها به هم پیشنهاد دهیم.
گسست نسل‌ها، شکاف نسلی، تفاوت‌های نسلی.... یا هر عنوان دیگری که حاکی از عدم تفاهم و ارزش‌های نسل‌ها با یکدیگر است، منجر به مشکلات و مسائلی می‌شود که نه تنها در درون خانواده تنش‌زااست، بلکه در جامعه نیز باعث بروز بحران می‌شود.

بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، برخاسته از مسائل مربوط به نسل جوان است؛ در حالی‌که

می‌شویم، این گوناگونی ارزش‌ها آشکار نیست، اما موقعیت‌هایی که پیش می‌آید، تفاوت‌های ارزشی دیدنی می‌شود. البته نباید غافل بود که میزان پابندی ما به ارزش‌ها نیز منجر به عکس‌العمل‌های متفاوتی می‌شود.
فرض کنیم وقتی در اتوبوسی نشسته‌ایم، پیرمردی سوار می‌شود. بعضی‌ها اساساً این فرد را نمی‌بینند یعنی توجهی به او نمی‌کنند. برخی دیگر با دیدن او احساس عطفوت و دلسوزی می‌کنند؛ اما در میان این افراد، همه از صندلی خود بلند نمی‌شوند تا جای خود را به او دهند. در واقع در عین اینکه آنان، جا دادن به پیرمرد را یک ارزش مثبت تلقی می‌کنند، تنها یک نفر چنان به این ارزش پابند است که بی احتیاجی تأمل برمی‌خیزد و جای خود را به پیرمرد می‌دهد.
با این وصف دو محور اصلی در تدوین رفتار روزمره ما دخیل است؛ ارزش‌ها و میزان پابندی به ارزش‌ها.
در خانواده نیز اعضاء، مبتنی بر ارزش‌هایشان و بر اساس میزان تقید به این ارزش‌ها رفتار می‌کنند. به این ترتیب طبیعی است که موضع‌گیری افراد نسبت به موضوعات، عکس‌العمل آنان در موقعیت‌ها، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی آنها و... یا یکدیگر متفاوت و گاه متعارض باشد، اما آنچه اوضاع خانه را به یک وضعیت غیرطبیعی تبدیل می‌کند، نحوه رویارویی این تفاوت‌هاست؛ اینکه افراد در مواجهه با تفاوت ارزش‌های هم، چه عکس‌العملی انجام می‌دهند یا چگونه یکدیگر را قضاوت می‌کنند، به میزان درکشان از ارزش‌های یکدیگر بستگی دارد.
درک ارزش‌های دیگران، هنگامی محقق می‌شود که بتوانیم خود را جای آنها قرار دهیم؛ یعنی آنها را از دریچه ارزش‌های خودشان نگاه و قضاوت کنیم نه با نگاه ارزشی خود.

فرض کنیم شب یلداست و اعضای فامیل در منزل بزرگ خانواده دور هم جمع شده‌اند. در این حال والدین عزم رفتن به این مهمانی را دارند، ولی فرزندان ترجیح می‌دهد با دوستانش به سینما برود و این شب را با آن‌ها سر کنند.

والدین می‌گویند در چنین شبی که تمام اعضای فامیل گرد هم هستند، دوست دارند فرزندان هم کنار آنها باشند. در اینجا نیز عکس‌العمل فرزند ممکن است برخورد تندی داشته باشد و شاکي شود که چرا والدین می‌خواهند همه دور هم باشند....

در حالت دوم چنین ابراز می‌کند که تمایل والدین را برای در کنار هم بودن درک می‌کند و سعی می‌کند برنامه‌اش را طوری تنظیم کند که دست کم در بخشی از این مهمانی حضور یابد.

جای از اینکه فرزند در این مهمانی، والدین خود را همراهی می‌کند یا نه؛ تفاوت عمده‌ای بین دو مواجهه فوق وجود دارد؛ در حالت اول با برخوردی غیرهمدلانه مواجهیم و در حالت دوم نوعی مواجهه همدلانه را شاهدیم.
هر چند "همدلی" واژه‌ای است که در تعاملات و گفتگوهای روزمره بسیاری از آن یاد می‌شود، در "جامعه‌شناسی" به معنایی دقیق و خاص مطرح است و یکی از شاخص‌های سنجش توسعه به شمار می‌آید.

واژه همدلی در علم جامعه‌شناسی به معنای دوستی به کار رفته است؛ بلکه آنچه می‌توان مطابق تئوری دانیل لرنر(۲) از آن استنباط کرد، دستیابی به «ارتباط» بر اساس میزان اندیشه و «قدرت انتقال فکر» در مراحل نوسازی فرهنگی جامعه است.
در این نوشتار به دنبال تبیین نظریه لرنر نیستیم،

نسل مدعی برای رفع این آسیب‌ها نه تنها جوان نیست، بلکه درکی هم از ارزش‌ها و آمال نسل جوان ندارد؛ بنابراین نمی‌تواند خود را به جای آنان تصور کند یا مسائل را از دریچه نگاه آنها ارزیابی نماید.

به این ترتیب آسیب‌ها، بی‌آنکه واقع‌بینی شوند، جراحی می‌شوند و بعد از یک عمل جراحی سنگین، همچنان آن زخم باقی می‌ماند و در مقطع دیگری از زمان سر باز می‌کند.

برای آنکه بتوانیم از نظریه لرنر بهره بگیریم تا راهکاری برای آسیب‌شناسی اجتماعی ارائه دهیم، ابتدا این نظریه را مرور می‌کنیم. (۴)
"دانیل لرنر" (Daniel lerner) از محققان و نظریه‌پردازان مطرح امریکاست و نظریاتی درباره

احساس توانمندی در ارتباطات اجتماعی دارد. به واسطه همدلی یا قدرت انتقال فکر می‌توان فرایند انباشت میزان قابلیت‌ها، استعدادها و توانایی‌های افراد را از طریق ارتباط و تعامل میان جهان‌های ذهنی شهروندان تحقق بخشید که این امر موجب تبلور هم‌پندری و تکوین فرهنگ اعتماد، در قالب‌های فکری افراد می‌شود. از آن‌جایی‌که جامعه نوگرا به واسطه همدلی، هم‌پندری و گسترش فرهنگ اعتماد، در صدد انسجام بخشیدن به "هویت یگانه ملی" است و افزایش میزان مشارکت جمعی را در این راستا دنبال می‌کند، شاید بتوان واژه همدلی را در مقابل واژه "غیریت" تعریف کرد. به‌واسطه غیریت، هویت ظاهری افراد و یا گروه‌های اجتماعی از طریق نفی دیگران حاصل می‌شود و آنان به این وسیله وحدت و پیوستگی درونی خود را دنبال می‌کنند. در واقع غیریت به این معناست که برای ایجاد هویت هر چیز، چیزهای دیگر باید غیر و بیگانه شوند.

شاید بتوان گفت مفروض اصلی برقراری رابطه غیریت، درست در نقطه مقابل با مفروض اساسی رابطه همدلی است؛ یعنی در رابطه غیریت، فرد یا گروه اجتماعی، توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود را بیش از دیگران تصور می‌کنند و این خودمحوری که با اتکا بر گاه "مبارایی انسان‌ها" شکل گرفته، برابر با رابطه همدلی که متکی است بر اصل "برابری انسان‌ها" در تعارض است.

مفهوم "خویش‌تن به جای دیگری بینی" که معمول توسط روان‌شناسان اجتماعی عنوان می‌شود، یعنی:

"اقدامی به منظور ایجاد ارتباط با دیگران، به منظور درک من دیگر، به عنوان یک فرد دیگری برای پیش‌بینی ورود توانایی او".
به عبارت ساده‌تر این که خود را از نظر روانی به جای دیگری قرار دهیم. این عمل به فراکنی و این‌همانی می‌انجامد؛ مکانیسمی درونی که در مبنای آن، فرد خود را به جای افرادی دیگر که در محیطی دیگر زندگی می‌کند، قرار می‌دهد.
حال برگردیم به موضوعی که می‌خواهیم بر نظریه لرنر سوار کنیم.

نسل‌ها به شرطی می‌توانند به هم نزدیک شوند که بتوانند خود را به جای دیگری قرار دهند؛ یعنی بتوانند آسودگی اجتماعی را از نگاه نسل دیگر بررسی و واکاوی کنند. مثالی که در ابتدای نوشتار آمد و روابط بین‌نسلی را در خانواده مطرح کرد، در واقع محملی بود برای توضیح این نکته که نسل‌ها چگونه می‌توانند مبتنی بر "همدلی" یا " غیریت" یکدیگر را ببینند.

نگاه همدلانه به یکدیگر داشتن، یعنی به رسمیت شناختن ارزش‌های نسل دیگر و نگاه غیریت‌گرایانه به مفهوم نفی ارزش‌های نسل دیگر است.

برای آسیب‌شناسی درست اجتماعی، لازم است هر دو نسل از روند غیریت‌گرای به همدلی، سوق یابند. در مثال یاد شده در نهاد خانواده همدلی فرزندان با والدین و نیز همدلی والدین با فرزندان، هر دو حائز اهمیت است و در نزدیک شدن دو نسل به یکدیگر نقش دارد. با این وصف نمی‌توان تنها از یک نسل انتظار داشت که به نفع نسل دیگر رفتار همدلانه پیش گیرد. برای نزدیک شدن نسل‌ها، هر دو باید از رفتار مبتنی بر غیریت بپرهیزند.

چال در دیگرب بخشی از این نوشتار را که به تبیین نظریه لرنر اختصاص داشت، با تأکید بر عباراتی که زیر آنها خط کشیده شده بخوانید. اینها اصولی هستند که به تقرب نسل‌ها و آسیب‌شناسی درست مسائل اجتماعی کمک می‌کنند.

چنین اقداماتی را به فرزندانشان می‌دهند. تجربه نشان داده اغلب، نوجوانانی دست به این کار می‌زنند که والدینشان نیز توجه چندانی به رعایت قانون و مقررات نداشته و خود نیز به کسار مرتکب آن می‌شوند وگرنه کدام پدر و مادر عاقلی است که با دستان خود کلید بدبختی را به دست فرزندش داده و گو اینکه به‌عنوان بدبختی‌ترین اصل در نکوهش این عمل باید از این والدین سؤال کرد، اگر روزی خدایی نکرده نوجوانی با این اقدام خود باعث وارد آمدن صدمه جانی و مالی شود چه تصور و حکمی را در خصوص او خواهند کرد؟ حال با اتکا بر این برهان چرا اجازه می‌دهید فرزند نوجوانتان با عمل خود سلامت و امنیت جان و مال دیگران را به مخاطره انداخته و بستر وقوع حوادثی تلخ را چه برای خود و چه دیگران مهیا کند؟

بنابراین توصیه ما به شما این است که این هشدار را جدی بگیرید که فرزند شما حق ندارد بدون گواهینامه و حتی به‌صرف داشتن مهارت در این کار با شما و یا بدون شما در خیابان‌های شهر رانندگی کرده و امنیت جانی دیگران را به خطر بیندازد. و پایان سخن اینکه؛ همیشه به خاطر داشته و به فرزندان خود نیز متذکر شوید که رانندگی بدون گواهینامه عواقب خطرناکی دارد که اگر به آن بی‌تفاوت باشیم قطعاً برای همه ما گران تمام خواهد شد.

چنین اقداماتی را به فرزندانشان می‌دهند. تجربه نشان داده اغلب، نوجوانانی دست به این کار می‌زنند که والدینشان نیز توجه چندانی به رعایت قانون و مقررات نداشته و خود نیز به کسار مرتکب آن می‌شوند وگرنه کدام پدر و مادر عاقلی است که با دستان خود کلید بدبختی را به دست فرزندش داده و گو اینکه به‌عنوان بدبختی‌ترین اصل در نکوهش این عمل باید از این والدین سؤال کرد، اگر روزی خدایی نکرده نوجوانی با این اقدام خود باعث وارد آمدن صدمه جانی و مالی شود چه تصور و حکمی را در خصوص او خواهند کرد؟ حال با اتکا بر این برهان چرا اجازه می‌دهید فرزند نوجوانتان با عمل خود سلامت و امنیت جان و مال دیگران را به مخاطره انداخته و بستر وقوع حوادثی تلخ را چه برای خود و چه دیگران مهیا کند؟

بنابراین توصیه ما به شما این است که این هشدار را جدی بگیرید که فرزند شما حق ندارد بدون گواهینامه و حتی به‌صرف داشتن مهارت در این کار با شما و یا بدون شما در خیابان‌های شهر رانندگی کرده و امنیت جانی دیگران را به خطر بیندازد. و پایان سخن اینکه؛ همیشه به خاطر داشته و به فرزندان خود نیز متذکر شوید که رانندگی بدون گواهینامه عواقب خطرناکی دارد که اگر به آن بی‌تفاوت باشیم قطعاً برای همه ما گران تمام خواهد شد.

۱. دیگران را نیز موجودی همچون خود و نه کمرتبدانیم،
۲. به جای انکار افکار دیگران، سعی کنیم میان ذهن خود و جهان‌های ذهنی دیگر تعامل ایجاد کنیم،
۳. به این درک همدلانه نسبت به ارزش‌ها و قالب‌های فکری دیگران، در تکوین فرهنگ اعتماد در جامعه سهیم شویم،
۴. برای انتشار ارزش‌های خود در اجتماع، به نفی ارزش‌های دیگران متوسل نشویم،
۵. برای اثبات هویت خود، دیگران را "بیگانه" نخوانیم.

فضایی که مبتنی بر اصول فوق ساخته شود؛ چه خانه باشد و چه جامعه، می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌شناسی واقع‌بینانه شود؛ یعنی به اعضای خانواده و در حالت کلان به اعضای جامعه کمک کند تا ارزش‌های یکدیگر را درک کنند و آسیب‌ها و مسائل اجتماعی را از دید یکدیگر ببینند تا بتوانند مبتنی بر آن راهکارهایی یبسنی و نه انتزاعی برای رفع مشکلات ارائه دهند.

خانواده، نه تنها مثالی است برای درک جامعه، بلکه به زعم بسیاری از اندیشمندان اجتماعی، راهی است برای مقابله با معضلات اجتماعی. به این معنا که با آسیب‌شناسی در خانواده و زدودن آنها می‌توان بسیاری از آسیب‌های جامعه را نیز رفع کرد؛ چراکه ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی در خانواده‌هاست.

به این ترتیب می‌توان ادعا کرد اگر والدین و فرزندان در خانواده به روابط همدلانه روی آورند، جامعه را در آسیب‌شناسی دقیق و صحیح باری کرده‌اند. پیش‌شهر می‌کنم بار دیگر مثال یادشده را در ذهن مرور کنید. شما در نقش فرزند یا ولی چقدر با اعضای خانواده هم‌دید؟ آیا می‌توانید در موقعیت‌های مختلف، خود را به جای آنها قرار دهید و به موضوعات از دریچه ارزش‌های آنان بنگرید؟

یادمان باشد که "همدلی" یا "خود را به جای دیگران قرار دادن" یک توانایی محسوب می‌شود و از نظر جامعه‌شناسانی چون لرنر، شاخصی است برای نوسازی.

۱- جامعه‌شناسی نسلی، آزاد ارمکی، غفاری، ص ۱۱
۲- همان، ص ۱۷
۳- شکاف نسلی، یوسفی، ص ۱۴۴
۴- برای این منظور به مقاله ذیل رجوع شده است:

گفتمان شهروندی و انسجام سیاسی، سعید یعقوبی، همشهری اندیشه، سال یازدهم - شماره ۳۰۰۸

منابع
۱- آزکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ چهارم، نشر کلمه، ۱۳۸۱
۲- لاور، رابرت، دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی، چاپ اول، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳
۳- سیفی‌زاده، حسین، نوسازی و دگرگونی سیاسی، چاپ سوم، نشر قومس، ۱۳۷۵
۴- یوسفی، نریمان، شکاف بین نسل‌ها، چاپ اول، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳
۵- آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا، جامعه‌شناسی نسلی، چاپ اول، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳

« شیوا خیلی